



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

شماره ۲۷۱۶

تاریخ ۵/۱/۶۱

بیتنایی

دفتر شورای نگهبان

تاریخ ۱۳۶۱/۵/۱

شماره ۴۸۵۲

شورای محترم نگهبان

عطف به نامه شماره ۴۸۲۱ مورخ ۱۳۶۱/۴/۲۸ لایحه حدود و
 قصاص و مقررات آن در کمیسیون امور قضائی مورد بررسی مجدد واقع
 و با اصلاحاتی بتصویب رسید که در اجرای اصل نود و چهارم قانون
 اساسی برای رسیدگی و اظهار نظر آن شورای محترم ارسال میگردد. / ض

رئیس مجلس شورای اسلامی

اکبر هاشمی

۱۰/۵/۶۱

الر

لایحه حدود و قصاص و مقررات آن

قصاص کیفری است که جانی به آن محکوم می شود و باید با جنایت او برابر باشد. قصاص دو قسم است قصاص نفس و قصاص عضو. قسم اول قصاص نفس و احکام آن در چند فصل بیان میشود.

فصل اول

ماده ۱- قتل نفس اگر عمدی باشد موجب قصاص است و ولی دم می تواند با اذن حاکم شرع قاتل را با رعایت شرایطی که خواهد آمد به قتل برساند.
ماده ۲- قتل در موارد زیر عمدی است.
الف- مواردی که قاتل با انجام کاری قصد کشتن کسی را دارد خواه آن کار نوعا کشنده باشد خواه نباشد ولی در عمل سبب قتل شود.
ب- مواردی که قاتل عمدا کاری را انجام دهد که نوعا کشنده باشد هر چند قصد کشتن شخص را نداشته باشد.
ج- مواردی که قاتل قصد کشتن را ندارد و کاری را که انجام می دهد نوعا کشنده نیست ولی نسبت به طرف بر اثر بیماری و یا پیری یا ناتوانی یا کودکی و امثال آنها نوعا کشنده باشد و قاتل نیز به آن آگاه باشد.
ماده ۳- قتل نفس سه نوع است. عمد- شبه عمد- خطا که احکام دو نوع اخیر در فصل دیات خواهد آمد.

(اکراه در قتل)

ماده ۴- اکراه مجوز قتل نیست بنابراین اگر کسی را وادار به قتل کنند نباید مرتکب شود و اگر مرتکب شد قصاص میشود و اکراه کننده به حبس ابد محکوم میگردد.
تبصره ۱- اگر اکراه شونده طفل غیر ممیز یا مجنون باشد فقط اکراه کننده محکوم به قصاص است.
تبصره ۲- اگر اکراه شونده طفل ممیز باشد نباید قصاص شود بلکه باید عاقلها و دپه قتل را بردازند و اکراه کننده نیز به حبس ابد محکوم است.
ماده ۵- هرگاه مرد مسلمانی عمدا زن مسلمانی را بکشد محکوم به قصاص است لیکن باید ولی زن قبل از قصاص قاتل نصف دپه مرد را بها و بردازد.

ماده ۶- هرگاه زن مسلمانی عمداً مرد مسلمانی را به قتل رساند محکوم به قصاص است.

ماده ۷- هرگاه کافر ذمی عمداً کافر ذمی دیگری را بکشد قصاص می شود اگرچه پیرو دو دین مختلف باشند و اگر مقتول زن ذمی باشد باید ولی او قبل از قصاص نصف دیه مرد ذمی را به قاتل بپردازد.

(شرکت در قتل)

ماده ۸- هرگاه دو یا چند مرد مسلمان مشترکاً مرد مسلمانی را بکشند ولی دم می تواند با اذن حاکم شرع همه آنها را قصاص کند لیکن در صورتیکه قاتل دونفر باشند باید به هر کدام از آنها نصف دیه و اگر سه نفر باشند باید به هر کدام از آنها دوثلث دیه و اگر چهار نفر باشند باید به هر کدام از آنها سه ربع دیه بپردازد و به همین نسبت در افراد بیشتر.

تبصره ۱- ولی دم میتواند برخی از شرکای در قتل را با پرداخت دیه مذکور در ماده ۸ قصاص نماید و از بقیه شرکاء نسبت به سهم دیه اخذ نماید.

تبصره ۲- در صورتیکه قاتلان و مقتول همه کفار ذمی باشند همین حکم جاری است.

ماده ۹- هرگاه دو یا چند نفر جراحی بر کسی وارد سازند که موجب قتل او شود چه در یک زمان و چه در زمانهای متفاوت چنانچه قتل مستند به جنایت همگی باشد همه آنها قاتل محسوب می شوند و کیفر آنان باید طبق مواد دیگر این قانون با رعایت شرایط تعیین شود.

ماده ۱۰- شرکت در قتل، زمانی تحقق پیدا میکند که کسی در اثر ضرب و جرح عدهای کشته شود و مرگ او مستند به عمل همه آنها باشد خواه عمل هر یک به تنهایی برای قتل کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آنها مساوی باشد خواه متفاوت.

ماده ۱۱- هرگاه کسی جراحی به شخصی وارد کند و بعد از آن دیگری او را به قتل برساند قاتل همان دومی است اگرچه جراحی سابق به تنهایی موجب مرگ میگردد و اولی فقط محکوم به قصاص طرف یا دیه جراحی است که وارد کرده مگر مواردیکه در قصاص جراحی خطر مرگ باشد که در این صورت فقط محکوم به دیه می باشد.

ماده ۱۲- هرگاه جراحی که نفر اول وارد کرده مجروح را در حکم مرده قرار داده و تنها آخرین رمق حیات در او باقی بماند و در این حال دیگری کاری را انجام دهد که به حیات او پایان بخشد اولی قصاص میشود و دومی تنها دیه جنایت بر مرده را می پردازد.

ماده ۱۳- هرگاه ایراد جرح هم موجب نقص عضو شود و هم موجب قتل چنانچه با یک ضربت باشد قصاص قتل کافی است و نسبت به نقص عضو قصاص یا دیه نیست.

ماده ۱۴- در هر مورد که باید مقداری از دیه را به قاتل بدهند و قصاص کنند باید پرداخت دیه قبل از قصاص باشد.



بخش اول

فصل دوم شرایط قصاص

- ماده ۱۵- کسیکه محکوم به قصاص است باید با اذن ولی دم او راکشت پس اگر کسی بدون اذن ولی دم او را بکشد مرتکب قتلی شده که موجب قصاص است .
- ماده ۱۶- پدر یا جد پدری که فرزند خود را بکشد فقط به پرداخت دیه قتل به ورثه مقتول و یک تا سه سال حبس یا بیست و پنج تا نود و نه ضربه شلاق محکوم می شود .
- ماده ۱۷- هرگاه دیوانه یا نابالغی عمدا کسی را بکشد خطا محسوب و قصاص نمی شود بلکه باید عاقله آنها دیه قتل خطا را به ورثه مقتول بدهند .
- ماده ۱۸- هرگاه عاقل دیوانه ای را بکشد قصاص نمی شود بلکه باید دیه قتل را به ورثه مقتول بدهد .
- ماده ۱۹- هرگاه بالغ نابالغی را بکشد قصاص می شود .
- ماده ۲۰- قتل در حال مستی موجب قصاص است مگر اینکه ثابت شود که در اثر مستی بکلی مسلوب الاختیار و قصد از او سلب شده و قبلا برای چنین عملی خود را مست نکرده باشد .
- ماده ۲۱- هرگاه کسی در حال خواب یا بیهوشی شخصی را بکشد قصاص نمی شود لکن باید دیه قتل به ورثه مقتول داده شود .
- ماده ۲۲- قتل نفس در صورتی موجب قصاص است که مقتول شرعا مستحق کشتن نباشد و اگر مستحق قتل باشد قاتل باید جرمی را که به استناد آن مقتول راکشته طبق موازین در دادگاه اثبات کند .
- ماده ۲۳- هرگاه قاتل مسلمان و مقتول غیر مسلمان باشد محکوم به دیه است .

فصل سوم شرایط دعوی قتل

- ماده ۲۴- در مدعی حین اقامه دعوی عقل و بلوغ شرط است و چنانچه دعوی مستلزم امر مالی گردد رشد نیز شرط است اما نسبت به مدعی علیه هیچیک شرط نیست .
- ماده ۲۵- مدعی باید نسبت به مورد دعوی جازم باشد و با احتمال و ظن نمیتوان علیه کسی اقامه دعوی کرد لکن با وجود اماره و آثار جرم دعوی بدون جرم نیز مسموع است .
- ماده ۲۶- مدعی علیه باید معلوم و مشخص یا محصور در میان عده ای معین باشد .
- ماده ۲۷- مورد دعوی باید معلوم باشد بنا بر این مدعی قتل باید نوع آن را از لحاظ عمد



یا غیر عمد بیان کند و اگر اصل قتل ثابت شود و نوع آن اثبات نشود باید با صلح میان قاتل و اولیاء مقتول و عاقله دعوی را خاتمه داد .

فصل چهارم

ماده ۲۸- راههای ثبوت قتل در دادگاه عبارتند از ۱- اقرار ۲- شهادت ۳- قسامه ۴- علم قاضی

ماده ۲۹- با اقرار به قتل عمد گرچه یکمرتبه هم باشد قتل عمد ثابت میشود .

ماده ۳۰- اقرار در صورتی نافذ است که اقرارکننده دارای اوصاف زیر باشد .

۱- عقل ۲- بلوغ ۳- اختیار ۴- قصد

بنابراین اقرار دیوانه و مست و کودک و مجبور و اشخاصی که قصد ندارند مانند ساهی - هازل نائم - بیهوش نافذ نیست .

ماده ۳۱- اقرار به قتل عمد از کسی که به سبب سفاهت یا افلاس مجبور باشد نافذ و موجب قصاص است .

ماده ۳۲- اگر کسی به قتل عمدی شخصی اقرار نماید و دیگری به قتل خطائی همان مقتول اقرار کند ولی دم در مراجع به هر یک از این دو نفر مخیر است که برابر اقرارش عمل نماید و نمیتواند مجازات هر دو را مطالبه کند .

ماده ۳۳- اگر کسی به قتل عمدی شخصی اقرار کند و پس از آن دیگری به قتل عمدی همان مقتول اقرار نماید در صورتیکه اولی از اقرارش برگردد قصاص یا دیه از هر دو ساقط است و دیه از بیت المال پرداخت میشود و این در حالی است که قاضی احتمال عقلائی ندهد که اقرار دومی توطئه‌ای برای رهائی اولی بوده است .
ماده ۳۴-

الف - قتل عمد با شهادت دو مرد عادل ثابت میشود .

ب - قتل شبه عمد یا خطاء با شهادت دو مرد عادل یا یک مرد عادل و دو زن عادل یا یک مرد عادل و قسم مدعی ثابت میشود .

ماده ۳۵- هرگاه یکی از دو شاهد عادل گواهی دهد که متهم اقرار به قتل عمدی نمود و دیگری گواهی دهد که متهم اقرار به قتل کرد و بقید عمد گواهی ندهد اصل قتل ثابت میشود و متهم مکلف است نوع قتل را بیان کند اگر اقرار به عمد نمود قصاص میشود و چنانچه منکر قتل عمد باشد و قسم یاد کند قصاص از او ساقط است .

ماده ۳۶- هرگاه ولی دم ، مدعی قتل عمد شود و یکی از دو شاهد عادل به قتل عمد و دیگری به اصل قتل شهادت دهد و متهم قتل عمد را انکار کند از باب لوث محسوب میشود و مدعی باید قتل را با قسامه ثابت کند .



ماده ۳۷- هرگاه یکی از دو مرد عادل شهادت به قتل دهد و دیگری شهادت به اقرار متهم به قتل، قتل ثابت نمیشود و داخل در باب لوث خواهد بود.

ماده ۳۸- هرگاه بر اثر قرائن و اماراتی حاکم به وقوع قتل گمان پیدا کند از قبیل شهادت یک شاهد یا حضور شخصی همراه با آثار جرم در محل قتل یا وجود مقتولی در محل تردد یا اقامت اشخاص معین از موارد لوث خواهد بود.

تبصره- هرگاه قرائن و نشانه‌های ظنی معارض یکدیگر باشند مورد از باب لوث خارج خواهد بود.

ماده ۳۹- در موارد لوث ابتدا از مدعی علیه شهود معتبر مطالبه میشود و اگر شهود نداشته باشد مدعی میتواند برای اثبات مطلب خود چهل و نه نفر مرد از خویشان و بستگان خود را که از وقوع قتل آگاهی داشته باشند دعوت کند تا با تفاق او جهت اثبات دعوی قسم یاد کنند و چنانچه عدد آنها کمتر از نصاب باشد قسم را تکرار کنند تا پنجاه تکمیل شود و اگر مدعی بستگانی ندارد یا بستگانش آگاهی ندارند یا حاضر به قسم نیستند خود مدعی میتواند پنجاه بار سوگند یاد کند تا دعوی او ثابت گردد.

ماده ۴۰- هرگاه مدعی اقامه قسامه نکند مدعی علیه میتواند برای اثبات خود به ترتیب مذکور در ماده ۳۹ به قسامه عمل نماید و چنانچه ایا کند به نفع مدعی حکم داده میشود.

ماده ۴۱- نصاب قسامه در قتل شبه عمد و خطای محض بیست و پنج قسم میباشد که بر طبق مواد گذشته عمل میشود.

ماده ۴۲- قسامه در جراحات عضو دیده را ثابت میکند نه قصاص را و نصاب آن بترتیب زیر است.
۱- جراحتهائی که موجب دیه کامل باشد قسامه شش قسم است ۲- در جراحتهائی که موجب نصف دیه است قسامه با سه قسم خواهد بود ۳- در جراحتهائی که موجب ثلث یا ربع یا خمس دیه باشد قسامه با دو قسم ثابت میشود ۴- در جراحتهائی که موجب سدس دیه یا کمتر میشود قسامه با یک قسم ثابت میشود.

ماده ۴۳- اگر شخصی در اثر ازدحام کشته شود یا جنازه‌ای در شارع عام پیدا شود و قرائن ظنی بر نسبت قتل او به شخص یا جماعتی نباشد باید حاکم شرع دیه او را از بیت المال بدهد و اگر شواهد ظنی نزد حاکم اقامه شده که آن قتل به شخص یا اشخاص معین منسوب است مورد از باب لوث خواهد بود.

فصل پنجم

کیفیت استیفاء قصاص

ماده ۴۴- قتل عمد موجب قصاص است لکن با رضایت ولی دم و قاتل به مقدار دیه کامله یا



به کمتر یا زیادتر از آن تبدیل میشود.

ماده ۴۵- هرگاه مردی زنی را به قتل رساند ولی دم مخیراست بین قصاص با پرداخت نصف دیه کامل به قاتل و بین مطالبه دیه زن از قاتل.

ماده ۴۶- هرگاه کسی که مرتکب قتل عمد شده است بعیرد قصاص و دیه ساقط میشود. ماده ۴۷- هرگاه کسی که مرتکب قتل عمد شده است فرار کند و با و دسترسی نباشد تا بعیرد قصاص تبدیل به دیه میشود که باید از مال قاتل پرداخت گردد و چنانچه مالی نداشته باشد از اموال نزدیکترین خویشان او به نحو "الاقرب فالاقرب" پرداخت میشود و چنانچه نزدیکانی نداشته باشد یا آنها تمکن نداشته باشند دیه از بیت المال پرداخت میگردد.

ماده ۴۸- اولیاء دم که قصاص در اختیار آنهاست همان ورثه مقتولند مگر شوهر یا زن که در قصاص و عفو و اجراء اختیاری ندارند.

ماده ۴۹- زن حامله که محکوم به قصاص است نباید قبل از وضع حمل قصاص شود و پس از وضع حمل چنانچه قصاص موجب هلاکت طفل باشد باید به تاخیر افتد تا خطر مرگ از طفل برطرف گردد.

ماده ۵۰- قصاص با آلت کند و غیر برنده که موجب آزار مجرم باشد جایز نیست و همچنین مثله او حرام است.

ماده ۵۱- در صورتیکه ولی دم متعدد باشد موافقت همه آنها در قصاص لازم است چنانچه همگی خواهان قصاص قاتل باشند قاتل قصاص میشود و اگر بعضی از آنها خواهان قصاص و دیگران خواهان دیه، خواهان قصاص میتوانند قاتل را قصاص کنند لکن باید سهم دیه سایر اولیاء دم را که خواهان دیه هستند بپردازند و اگر بعضی از اولیاء دم بطور رایگان عفو کنند دیگران میتوانند بعد از پرداخت سهم عفو کنندگان به قاتل او را قصاص نمایند.

ماده ۵۲- ولی دم بعد از اذن حاکم شرع میتواند شخصا قاتل را قصاص کند و یا وکیل بگیرد.

ماده ۵۳- هرگاه ولی دم صغیر یا مجنون باشد ولی او (پدر یا جد پدری یا قیم منصوب از طرف آنها یا حاکم شرع) با رعایت غبطه صغیر و مجنون قصاص میکند یا قصاص را به مقدار دیه یا کمتر یا بیشتر از آن تبدیل مینماید و اگر ولی دم غائب باشد و غیبت او طولانی شود حاکم شرع ولی اوست و برابر مصلحت تصمیم میگیرد.

ماده ۵۴- هرگاه شخص یا اشخاصی محکوم به قصاص را رهائی دهد محکوم به حبس میباشد تا قاتل را تحویل مقامات قضائی گردد و چنانچه قاتل قبل از تحویل بمیرد دیه مقتول به عهده آنکس یا کسانی است که او را فرار داده اند.

ماده ۵۵ - با عفو مجنی علیه قبل از مرگ حق قصاص ساقط نمیشود و اولیاء دم میتوانند پس از مرگ او قصاص را مطالبه نمایند .

(قسم دوم قصاص عضو)

ماده ۵۶ - قطع عضو یا جرح آن اگر عمدی باشد موجب قصاص است و مجنی علیه میتواند با اذن حاکم شرع جانی را با شرایطی که میآید قصاص نماید .

ماده ۵۷ - قطع عضو یا جرح آن سه نوع است . عمد - شبه عمد - خطا که احکام دوتنوع اخیر در فصل دیات خواهد آمد .

ماده ۵۸ - قطع عضو یا جرح آن در موارد زیر عمدی است .

الف - وقتی که جانی با انجام کاری قصد قطع عضو یا جرح آن را دارد چه آن کار نوعا موجب قطع یا جرح باشد یا نباشد .

ب - وقتی که جانی عمدا کاری انجام دهد که نوعا موجب قطع یا جرح عضو باشد هر چند قصد قطع یا جرح نداشته باشد .

ج - وقتی که جانی قصد قطع عضو یا جرح را ندارد و عمل او نوعا موجب قطع یا جرح نمیشود ولی نسبت به مجنی علیه بر اثر بیماری یا پیری یا ناتوانی یا کودکی و مانند اینها نوعا موجب قطع یا جرح باشد و جانی به آن آگاهی داشته باشد .

ماده ۵۹ - در قصاص عضو علاوه بر شرایط قصاص نفس شرایط زیر باید رعایت شود .

۱- تساوی اعضاء در سالم بودن

۲- تساوی در اصلی بودن اعضا

۳- تساوی در محل عضو مجروح

۴- قصاص موجب تلف جانی نباشد

۵- قصاص بیشتر از اندازه جنایت نشود .

ماده ۶۰ - در قصاص عضو ، زن و مرد برابرند و مرد مجرم بسبب نقص عضو یا جرمی که به زن وارد نماید به قصاص عضو مانند آن محکوم میشود . مگر اینکه دیه عضوی که ناقص شده ثلث یا بیش از ثلث دیه کامل باشد که در آن صورت زن هنگامی میتواند قصاص کند که نصف دیه آن عضو را به مرد بپردازد .

ماده ۶۱ - عضو سالسّم در برابر عضو ناسالم قصاص نمیشود و فقط دیه آن عضو پرداخت میشود لکن عضو ناسالم در برابر عضو سالم قصاص میشود .

ماده ۶۲ - در قصاص عضو تساوی محل معتبر است و باید در مقابل قطع عضو طرف راست عضو همان طرف و در مقابل طرف چپ عضو همان طرف جانی قصاص شود .

تبصره - در صورتیکه مجرم دست راست نداشته باشد دست چپ او و چنانچه دست چپ هم نداشته باشد پای او قطع خواهد شد .

ماده ۶۳ - جرحی که بعنوان قصاص وارد میکنند باید از حیث طول و عرض مساوی با جنایت باشد مگر جرحی که با استخوان سر برسد که در این صورت صدق معائلت عرفی کافی است .

ماده ۶۴ - هرگاه در قصاص جرح رعایت تساوی ممکن نباشد مانند بعضی از جراحات های عمیق یا در موارد شکسته شدن استخوانها یا جابجا شدن آنها بطوریکه قصاص موجب تلف جانی یا زیاده از اندازه جنایت گردد باید دیه آن داده شود چه مقدار آن دیه شرعا معین باشد یا با حکم حاکم شرع معین شود .

ماده ۶۵ - قصاص عضورا میشود فوراً اجراء نمود و لازم نیست صبر کنند تا وضع جرح روشن شود پس اگر قصاص اجرا شود و جرح منجر به مرگ مجنی علیه گردد در صورتیکه جنایت عمدی باشد جانی به قصاص نفس محکوم میشود لکن قبل از اجراء قصاص نفس باید دیه جرحی که قبلاً بعنوان قصاص عضو بر جانی وارد شده به او پرداخت شود .

ماده ۶۶ - برای رعایت تساوی قصاص با جنایت باید حدود جراحات کاملاً اندازه گیری شود و هر چیزیکه مانع از استیفاء قصاص یا موجب ازدیاد آن باشد باید برطرف گردد .

ماده ۶۷ - اگر در اثر حرکت جانی قصاص بیش از جنایت شود قصاص کننده ضامن نیست و اگر بدون حرکت مجرم قصاص بیش از جنایت شود در صورتیکه این زیاده عمدی باشد قصاص کننده نسبت به مقدار زائد قصاص میشود و در صورتیکه عمدی نباشد دیه یا ارزش مقدار زائد بعهدہ قصاص کننده میباشد .

ماده ۶۸ - اگر گرمی یا سردی هوا موجب سرایت زخم شود باید قصاص در هسوی معتدل انجام گیرد .

ماده ۶۹ - ابزار قصاص باید تیز و غیر مسموم و مناسب با اجراء قصاص جرح مخصوص باشد و ایذاء جانی بیش از مقدار جنایت او جایز نیست .

ماده ۷۰ - هرگاه شخصی یک چشم کسی را کور کند قصاص میشود گرچه جانی بیش از یک چشم نداشته باشد و چیزی بعنوان دیه باو داده نمیشود .

ماده ۷۱ - هرگاه شخصی که دارای دو چشم است چشم کسی را که فقط دارای یک چشم است کور نماید مجنی علیه میتواند قصاص کند و نصف دیه کامل را هم دریافت دارد یا از قصاص صرف نظر کند و دیه کامل را بگیرد مگر در صورتیکه مجنی علیه یک چشم خود را قبلاً در اثر قصاص از دست داده باشد که در این صورت فقط میتواند قصاص کند و حق دریافت چیز دیگر را ندارد .



ماده ۷۲ - هرگاه شخصی بینائی چشم کسی را بدون آسیب به حدقه چشم او از بین ببرد فقط بینائی چشم جانی مورد قصاص قرار میگیرد و اگر بدون آسیب به حدقه چشم جانی قصاص ممکن نباشد قصاص ساقط میشود و جانی باید دیه آن را بپردازد .
ماده ۷۳ - چشم سالم در برابر چشم هائیکه از لحاظ دیدن متعارف نیستند قصاص میشود .

ماده ۷۴ - هرگاه شخصی مقداری از گوش کسی را قطع کند و مجنی علیه قسمت جدا شده را به گوش خود پیوند دهد قصاص ساقط نمیشود و اگر جانی بعد از آنکه مقداری از گوش او بعنوان قصاص بریده شد آن قسمت جدا شده را به گوش خود پیوند دهد هیچ کس نمیتواند آنرا دوباره برای حفظ اثر قصاص قطع کند .

ماده ۷۵ - قطع لاله گوش که موجب زوال شنوائی بشود دوجرم محسوب میشود و دیه شنوائی هر گوش نصف دیه کامل است .

ماده ۷۶ - هرگاه شخصی بینی کسی را قطع کند مجنی علیه میتواند قصاص نماید گرچه بینی مجنی علیه دارای حس بویائی نباشد .

ماده ۷۷ - هرگاه شخصی زبان یا لب کسی را قطع نماید با رعایت تساوی مقدار و محل ، مورد قصاص قرار میگیرد .

ماده ۷۸ - هرگاه شخصی دندان کسی را بشکند یا بکند با رعایت شرایط قصاص عضو قصاص میشود و اگر مجنی علیه قبل از قصاص دندان درآورد در صورتیکه دندان جدید او سالم باشد چیزی جز تعزیر بر مجرم نیست و اگر معیوب باشد مجرم باید تفاوت بی دندان سالم و معیوب را بپردازد .

ماده ۷۹ - اگر مجنی علیه طفل باشد باید بمدت متعارف صدور حکم به تاخیر افتد در صورتیکه کودک دندان جدید درآورد مجرم محکوم به ازش و گرنه محکوم به قصاص است .
ماده ۸۰ - اگر مورد جنایت عضو زائد باشد و جانی عضو زائد مشابه نداشته باشد محکوم به دیه است .

ماده ۸۱ - رعایت تساوی در قصاص اعضا از هر جهت لازم است و با تراضی طرفین قابل تغییر است .

حدود و مقررات آن

فصل اول - حدزنا

ماده ۸۲ - زنا عبارت است از جماع مرد با زنی که بر او حلال نیست گرچه در دهر باشد .



مجلس

ماده ۸۳ - زنا در صورتی موجب حد میشود که زانی دارای اوصاف زیر باشد .
بلوغ - عقل - اختیار - آگاهی .

پس زنا یا بالغ و دیوانه و اکراه شده و کسیکه در اثر اشتباه با زنی زنا نماید یا در اثر ندانستن حکم شرعی با زنی ازدواج کند که عقد با او مشروع نباشد و با آن زن جماع کند موجب حد نمیشود .

تبصره ۱ - هرگاه زن یا مردی حرام بودن ازدواج با دیگری را نداند ولی احتمال حرمت آن را بدهد و بدون تفحص حکم شرعی با او ازدواج نماید و دخول کند محکوم به حد خواهد شد .

تبصره ۲ - هرگاه زنی حرام بودن جماع با مردی را بداند و آن مرد آگاه نباشد و خیال کند که دخول به این زن برای او جایز است و دخول نماید فقط آن زن محکوم به حد زنا میباشد و اگر مرد آگاه باشد و زن ناآگاه فقط آن مرد محکوم به حد زنا خواهد بود نه زن .

ماده ۸۴ - هرگاه مرد یا زنی که با هم جماع نمودند ادعای اشتباه و ناآگاهی کند در صورتیکه احتمال صدق مدعی داده شود ادعا بدون شاهد و سوگند پذیرفته نمیشود و حد ساقط خواهد بود .

ماده ۸۵ - هرگاه زنی ادعا کند که به زنا اکراه شده ادعای او در صورتیکه یقین بر خلاف آن نباشد قبول نمیشود .

راههای ثبوت زنا در دادگاه

ماده ۸۶ - هرگاه مرد یا زنی در چهار جلسه اقرار به زنا کند محکوم به حد زنا خواهد شد و اگر کمتر از چهار بار اقرار نماید به سه ماه تا ۲ سال حبس و پنجاه تا نود و نه ضربه شلاق محکوم میشود .

ماده ۸۷ - اقرار در صورتی نافذ است که اقرار کننده دارای اوصاف زیر باشد .
بلوغ - عقل - اختیار - قصد .

ماده ۸۸ - اقرار باید صریح یا ظاهری باشد که احتمال عقلانی خلاف داده نشود .

ماده ۸۹ - هرگاه کسی اقرار به زنا کند و بعد انکار نماید حد ساقط نمیشود مگر آنکه اقرار به زنائی کند که موجب رجم یا قتل باشد و سپس انکار نماید که در این صورت حد رجم و قتل ساقط نمیشود .

ماده ۹۰ - هرگاه کسی به زنائی اقرار کند که موجب حد است و بعد توبه نماید ، حاکم میتواند او را عفو کند یا حد بر او جاری سازد .



بخش اول

- ماده ۹۱ - هرگاه زنی که همسر ندارد باردار شود به صرف باردار شدن مورد حد قرار نمیگیرد مگر آنکه بایکی از راههایی که در این قانون آمده زنا یا او ثابت شود .
- ماده ۹۲ - زنا با شهادت چهار مرد عادل یا سه مرد عادل با دو زن عادل ثابت می شود . خواه موجب حد جلد باشد خواه موجب حد رجم .
- ماده ۹۳ - در مواردی که زنا فقط موجب حد جلد باشد به شهادت دو مرد عادل و یا چهار زن عادل نیز ثابت می شود .
- تبصره - گواهی زنها به تنهایی یا بانضمام گواهی یک مرد عادل زنا را ثابت نمیکند بلکه آن گواهان مورد حد قذف قرار میگیرند .
- ماده ۹۴ - گواهی شاهد باید روشن وبدون ابهام باشد .
- ماده ۹۵ - گواهی شاهد باید مستند به مشاهده باشد و گواهی حدسی معتبر نیست .
- ماده ۹۶ - هرگاه شهود خصوصیات مورد شهادت را بیان کنند باید از لحاظ زمان یا مکان و مانند آن اختلاف نداشته باشند و در صورت اختلاف بین گواهان زنا ثابت نمیشود بلکه آنها به حد قذف محکوم خواهند شد .
- ماده ۹۷ - شهود باید بدون فاصله زمانی شهادت دهند پس اگر بعضی از آنها شهادت دهد و دیگران بلافاصله حضور پیدا نکنند یا شهادت ندهند زنا ثابت نمی شود بلکه شهادت دهنده مورد حد قذف قرار میگیرد .
- ماده ۹۸ - هرگاه زنا از راه شهادت یا اقرار ثابت شود جز در موارد استثنای مانند بیماری و حاملگی باید حد آن فوراً جاری گردد .
- ماده ۹۹ - هرگاه زن یا مرد زانی قبل از اقامه شهادت توبه نماید ، حد او ساقط میشود و اگر بعد از اقامه شهادت توبه کند حد ساقط نمی شود .

اقسام حد زنا

- ماده ۱۰۰ - حد زنا در موارد زیر قتل است .
- الف - زنا با محارم نسبی .
- ب - زنا با زن پدر .
- ج - زنا با غیر مسلمان با زنی که مسلمان میباشد موجب قتل زانی است .
- د - زنا با عتق و اگر موجب قتل زانی اگر عتق کننده است .
- تبصره - در موارد فوق فرقی بین جوان و پیر و محسن و غیر محسن نیست .
- ماده ۱۰۱ - حد زنا در موارد زیر رجم است .



- الف - زنای مرد محصن یعنی مردی که دارای همسر دائمی است و با او جماع کرده و هر وقت بخواهد با او جماع کند میتواند ، موجب رجم است .
- ب - زنای زن محصنه یعنی زنی که دارای شوهر دائمی است و جماع با او حاصل شده و امکان تمتع از شوهر را داشته باشد با مرد بالغ موجب رجم است .
- تبصره ۱ - زنای زن محصنه با نابالغ موجب حد تا زینانه است نه رجم .
- تبصره ۲ - زنای مرد یا زنی که همسر دائمی دارد ولی در اثر مسافرت یا حبس و مانند آن در عذرهای موجه به همسر خود دسترسی ندارد ، موجب رجم نیست .
- تبصره ۳ - طلاق رجعی قبل از سپری شدن ایام عده ، مرد یا زن را از احسان خارج نمی کند ولی طلاق بائن آنها را از احسان خارج مینماید .
- ماده ۱۰۲ - زنای پیرمرد یا پیرزنی که دارای شرایط احسان باشند موجب میشود که قبل از رجم کردن حد جلد بر آنها جاری شود .
- ماده ۱۰۳ - حد زنای زن یا مردی که واجد شرایط احسان نباشند صد تا زینانه است .
- ماده ۱۰۴ - مرد متاهلی که قبل از دخول مرتکب زنا شود به حد جلد و تراشیدن سروتبعید به مدت یکسال محکوم خواهد شد .
- تبصره - در احکام یاد شده فرقی بین زنای بازن زنده و مرده نیست .
- ماده ۱۰۵ - تکرار زنا قبل از اجراء حد موجب تکرار حد نمی شود . مگر آنکه مجازاتها از یک نوع نباشد مانند آنکه بعضی از آنها موجب جلد بوده و بعضی دیگر موجب رجم باشد که در اینصورت قبل از رجم زانی حد جلد بر او جاری می شود .
- ماده ۱۰۶ - هرگاه زن یا مردی چند بار زنا کند و بعد از هر بار حد بر او جاری شود در مرتبه چهارم کشته می شود .
- ماده ۱۰۷ - در ایام بارداری و نفاس زن حد قتل یا رجم بر او جاری نمی شود و همچنین بعد از وضع حمل در صورتیکه نوزاد کفیل نداشته باشد و بیم تلف شدن او برود ولی اگر کفیل پیدا شود حد بر او جاری میگردد .
- ماده ۱۰۸ - زن باردار یا شیرده در صورتیکه در اجرای حد جلد بر او بیم ضرر حمل یا شیرخوار باشد اجراء حد تا رفع بیم ضرر بتاخیر می افتد .
- ماده ۱۰۹ - هرگاه مریض یا زن مستحاضه ای محکوم به قتل یا رجم شده باشد حد بر او جاری میشود ولی اگر محکوم به جلد باشد تا رفع بیماری و استحاضه اجرای حد به تاخیر می افتد .
- تبصره - حیض مانع اجرای حد نمیشود .
- ماده ۱۱۰ - هرگاه امید به بهبودی مریض نباشد یا حاکم شرع مصلحت بداند که در حال مرض حد جاری شود یک دسته تا زینانه یا ترکه ای که مشتمل بر



- صد واحد باشد ، فقط یکبار به او زده میشود گرچه همه آنها به بدن محکوم نرسد .
ماده ۱۱۱- هرگاه محکوم به حد دیوانه یا مرتد شود حد از او ساقط نمیشود .
ماده ۱۱۲- حد جلد را نباید در هوای بسیار سرد یا بسیار گرم جاری نمود .
ماده ۱۱۳- حد را نمی شود در سرزمین دشمنان اسلام جاری کرد .

کیفیت اجراء حد

- ماده ۱۱۴- هرگاه شخصی محکوم به چند حد شود باید آن حد و درابه ترتیبی اجرا کرد که هیچکدام در آنها زمینه دیگری را از بین نبرد مثلا اگر به جلد و به رجم شدن محکوم شود باید اول حد جلد جاری شود بعدا حد رجم .
ماده ۱۱۵- هرگاه زنای شخصی که دارای شرایط احسان است با اقرار و ثابت شود ، هنگام رجم اول حاکم شرع سنگ میزند بعدا دیگران و اگر زنای او به شهادت شهود ثابت شود اول شهود سنگ میزنند بعدا حاکم و سپس دیگران .
ماده ۱۱۶- حد جلد مرد زانی باید ایستاده و در حالیکه پوشاکی جز ساتر عورت نداشته باشد اجرا گردد و به تمام بدن وی غیر از سر و صورت و عورت تا زبانه زده میشود ولی زن را در حالی که نشسته و لباسهایش به بدن او بسته باشد تا زبانه میزنند .
ماده ۱۱۷- مناسب است که حاکم شرع مردم را از زمان اجراء حد آگاه سازد و لازم است عدهای از مومنین که از سه نفر کمتر نباشند در حال اجرای حد حضور یابند .
ماده ۱۱۸- مرد را هنگام رجم تا نزدیکی کمر و زن را تا نزدیکی سینه در چاله‌ای دفن می کنند آنگاه رجم می نمایند .
ماده ۱۱۹- هرگاه کسی که محکوم به رجم است از چاله‌ای که در آن قرار گرفته ، فرار کند در صورتی که زنای او به شهادت ثابت شده باشد برای اجرای حد برگردانده میشود و اگر به اقرار و ثابت شده باشد و فرارش هم بعد از برخورد ولو یک سنگ باشد ، برگردانده نمیشود ولی کسی که محکوم به جلد باشد و فرار کند در هر حال برای اجرای حد جلد برگردانده میشود .
ماده ۱۲۰- بزرگی سنگ در رجم نباید بحدی باشد که با اصابت یک یا دوتای آن شخص کشته شود و نیز کوچکی آن نباید به اندازه ای باشد که نام سنگ بر آن صدق نکند .
ماده ۱۲۱- حاکم شرع میتواند به علم خود در حق الله و حق الناس عمل کند و حد الهی را جاری نماید و در حق الله متوقف به درخواست کسی نیست ولی در حق الناس اجراء حد موقوف به درخواست صاحب حق میباشد .



ماده ۱۲۲- زنا در زمانهای متبرکه چون اعیاد مذهبی و رمضان و جمعه و مکانهای شریف چون مساجد علاوه بر حدبه سی تانودضربه شلاق نیز محکوم می شود و مقدار آن را حاکم با توجه به زمان و مکان تعیین می کند .
ماده ۱۲۳- حضور شهود هنگام اجرای حد رجم لازم است و باغیبت آنان حد ساقط نمیشود اما با فرار آنان حد ساقط میشود .

فصل دوم - حد مسکر

ماده ۱۲۴- خوردن مسکر کم یا زیاد مست بکند یا نکند خالص باشد یا مخلوط موجب حد است .
تبصره ۱- آب جو گرچه مست کننده نباشد در حکم شراب است و موجب حد خواهد بود .
تبصره ۲- خوردن آب انگوری که خود بجوش آمده یا بوسیله آتش یا آفتاب و مانند آن جوشانیده شده گرچه حرام است ولی موجب حد نمی باشد .

شروط حد مسکر

ماده ۱۲۵- حد مسکر بر کسی ثابت میشود که بالغ و عاقل و مختار و آگاه به مسکر بودن و حرام بودن آن باشد .
تبصره ۱- در صورتیکه شراب خوار مدعی جهل بحکم یا موضوع باشد و صحیح دعوی وی محتمل باشد محکوم به حد نخواهد شد .
تبصره ۲- هرگاه کسی بداند که خوردن شراب حرام است و آن را بخورد محکوم به حد خواهد شد گرچه نداند که خوردن آن موجب حد میشود .
ماده ۱۲۶- هرگاه کسی مضطر شود که برای نجات از مرگ یا جهت درمان بیماری سخت مقدار ضرورت شراب بخورد محکوم به حد نخواهد شد .
ماده ۱۲۷- هرگاه کسی دوبار اقرار کند که شراب خورده محکوم به حد میشود .
ماده ۱۲۸- اقرار در صورتی نافذ است که اقرار کننده بالغ عاقل مختار و دارای قصد باشد .
ماده ۱۲۹- حد شرب خمر فقط با شهادت دو مرد عادل ثابت میشود .
ماده ۱۳۰- هرگاه یکی از دو مرد عادل شهادت دهد که شخصی شراب خورده و دیگری گواهی دهد که او شراب قی کرده است حد ثابت میشود .



ماده ۱۳۱- درشهادت شرب مسکر لازم است از لحاظ زمان یا مکان و مانند آن اختلافی نباشد ولی در صورتیکه یکی به شرب اصل مسکر و دیگری به شرب نوعی خاص از آن شهادت دهد حد ثابت میشود .
تبصره - اقرار یا شهادت در صورتی موجب حد میشود که احتمال عقلائی بر معذور بودن خورنده مسکر در بین نباشد .
ماده ۱۳۲- حد شرب مسکر برای مرد و یا زن ، هشتاد تازیانہ است .
تبصره - غیرمسلمان فقط در صورت تظاهر به شرب مسکر به هشتاد تازیانہ محکوم میشود .

کیفیت اجراء حد

ماده ۱۳۳- مرد را در حالیکه ایستاده باشد و پوشاکی غیر از ساتر عورت نداشته باشد و زن را در حال نشسته که لباسهایش به بدن او بسته باشد تازیانہ میزنند .
تبصره - تازیانہ را نباید به سر و صورت و عورت محکوم زد .
ماده ۱۳۴- حد وقتی جاری میشود که محکوم از حال مستی بیرون آمده باشد .
ماده ۱۳۵- هرگاه کسی چند بار مسکر بخورد و حد بر او جاری نشود برای همه آنها یک حد کافی است .
ماده ۱۳۶- هرگاه کسی چند بار شرب مسکر بنماید و بعد از هر بار حد بر او جاری شود ، در مرتبه سوم کشته می شود .
ماده ۱۳۷- هرگاه محکوم به حد دیوانه یا مرتد شود حد از او ساقط نمیشود .

شرائط سقوط حد یا عفو از آن

ماده ۱۳۸- هرگاه شراب خوار قبل از اقامه شهادت توبه نماید حد از او ساقط میشود ولی اگر بعد از اقامه شهادت توبه کند حد از او ساقط نمیشود .
ماده ۱۳۹- هرگاه کسی بعد از اقرار به شرب مسکر توبه کند حاکم می تواند او را عفو نماید یا حد بر او جاری کند .

فصل سوم - حد لواط

ماده ۱۴۰- لواط وطنی انسان مذکر است .



- ماده ۱۴۱ - فاعل و مفعول لواط هر دو محکوم به حد خواهند شد .
- ماده ۱۴۲ - حد لواط قتل و کیفیت نوع آن در اختیار حاکم شرع است .
- ماده ۱۴۳ - لواط در صورتی موجب قتل میشود که فاعل و مفعول بالغ ، عاقل و مختار باشند .
- ماده ۱۴۴ - هرگاه مرد بالغ و عاقل با نابالغی لواط کند فاعل کشته میشود و مفعول اگر مکره نباشد به سی ضربه شلاق محکوم می شود .
- ماده ۱۴۵ - هرگاه نابالغی نابالغ دیگر را وطی کند هر یک به سی ضربه شلاق محکوم میشوند مگر آنکه یکی از آنها اکراه شده باشد .

راههای ثبوت لواط در دادگاه

- ماده ۱۴۶ - با چهار بار اقرار به لواط حد نسبت به اقرار کننده ثابت میشود .
- ماده ۱۴۷ - اقرار در صورتی نافذ است که اقرار کننده بالغ ، عاقل ، مختار و دارای قصد باشد .
- ماده ۱۴۸ - اقرار کمتر از چهار بار موجب حد نیست و اقرار کننده به سه ماه تا دو سال حبس و پنجاه تا نود و نه ضربه شلاق محکوم می شود .
- ماده ۱۴۹ - لواط با گواهی چهار مرد عادل که آن را مشاهده کرده باشند ثابت میشود .
- ماده ۱۵۰ - هرگاه کمتر از چهار مرد عادل گواهی دهند لواط ثابت نمی شود و گواهان به حد قذف محکوم میشوند .
- ماده ۱۵۱ - شهادت زن ها به تنهایی یا به ضمیمه مرد لواط را ثابت نمی کند .
- ماده ۱۵۲ - حاکم شرع مجتهد میتواند طبق علم خود که از طرق متعارف حاصل شود ، حکم کند .
- ماده ۱۵۳ - حد تفحیذ و نظائر آن بین دو مرد بدون دخول برای هر یک صد تازیانه است .
- تبصره - در صورتیکه فاعل غیر مسلمان و مفعول مسلمان باشد حد فاعل قتل است .
- ماده ۱۵۴ - اگر تفحیذ و نظائر آن سه بار تکرار و بعد از هر بار حد جاری شود در مرتبه چهارم حد آن قتل است .
- ماده ۱۵۵ - هرگاه دو مرد که با هم خویشاوندی نسبی نداشته باشند بدون ضرورت در زیر یک پوشش بطور برهنه قرار گیرند ، هر دو به سه ماه تا یکسال حبس و به سی تا پنجاه ضربه شلاق محکوم می شوند .
- ماده ۱۵۶ - هرگاه کسی دیگری را از روی شهوت ببوسد ، به ده تا پنجاه ضربه شلاق محکوم می شود .



ماده ۱۵۷ - کسی که مرتکب تفحیذ و نظائر آن یا لواط شده باشد اگر قبل از شهادت شهود توبه کند حداز اوساقت میشود و اگر بعد از شهادت توبه نماید حداز اوساقت نمیشود و اگر با اقرار ثابت شده باشد وتوبه کند حاکم شرع میتواند عفو نماید .

مساحقه

- ماده ۱۵۸ - مساحقه ، همجنس بازی زنها است با اندام تناسلی .
- ماده ۱۵۹ - راههای ثبوت مساحقه در دادگاه همان راههای ثبوت لواط است .
- ماده ۱۶۰ - حد مساحقه برای هر یک صد تازیانه است .
- ماده ۱۶۱ - حد مساحقه درباره کسی ثابت میشود که بالغ ، عاقل ، مختار و دارای قصد باشد .
- تبصره - در حد مساحقه فرقی بین فاعل و مفعول و همچنین فرقی بین مسلمان و غیر مسلمان نیست .
- ماده ۱۶۲ - هرگاه مساحقه سه بار تکرار شود و بعد از هر بار حد جاری گردد در مرتبه چهارم حد آن قتل است .
- ماده ۱۶۳ - اگر مساحقه کننده قبل از شهادت شهود توبه کند حد ساقط میشود و اگر بعد از شهادت توبه نماید حد ساقط نمیشود .
- ماده ۱۶۴ - اگر مساحقه با اقرار شخص ثابت شود و توبه کند حاکم شرع میتواند او را عفو نماید .
- ماده ۱۶۵ - هرگاه دو زن که باهم خویشاوندی نسبی نداشته باشند بدون ضرورت برهنه زیر یک پوشش قرار گیرند به کمتر از صد تازیانه تعزیر میشوند و در صورت تکرار این عمل و تکرار تعزیر در مرتبه سوم صد تازیانه زده میشود .

قوادی

- ماده ۱۶۶ - قوادی عبارت است از جمع و مرتبط کردن دونفر یا بیشتر برای زنا یا لواط .
- ماده ۱۶۷ - قوادی با دوبار اقرار در صورتیکه اقرار کننده بالغ و عاقل و مختار و دارای قصد باشد ثابت میشود .
- ماده ۱۶۸ - قوادی با شهادت دومرد عادل ثابت میشود .
- ماده ۱۶۹ - حد قوادی هفتاد و پنج تازیانه و تبعید از محل است که مدت آنرا حاکم تعیین میکند .



بجای

تبصره - حد قوادی در زن فقط هفتاد و پنج تازیانه است .

قذف

- ماده ۱۷۰ - قذف نسبت دادن زنا یا لواط است به شخص دیگری .
- ماده ۱۷۱ - حد قذف هشتاد تازیانه است خواه قذف کننده مرد باشد یا زن .
- تبصره - هرگاه کسی غیر از زنا یا لواط مانند مساحقه و سایر کارهای حرام را به شخصی نسبت دهد ، به سی تا پنجاه ضربه شلاق محکوم خواهد شد .
- ماده ۱۷۲ - قذف باید روشن و بدون ابهام و نسبت دهنده به معنای لفظ آگاه باشد گرچه شنونده معنای آن را نداند .
- ماده ۱۷۳ - هرگاه کسی به فرزند مشروع خود بگوید تو فرزند من نیستی محکوم به حد قذف خواهد شد .
- ماده ۱۷۴ - هرگاه کسی به فرزند مشروع شخص دیگری بگوید تو فرزند او نیستی محکوم به حد قذف خواهد شد .
- تبصره - در موارد یاد شده فوق هرگاه قرینه ای در بین باشد که منظور قذف نیست حد ثابت نمیشود .
- ماده ۱۷۵ - هرگاه کسی به شخصی نسبت دهد که تو با فلان زن زنا کردی یا با فلان مرد لواط نمودی نسبت به مخاطب قذف خواهد بود و گوینده محکوم به حد قذف میشود .
- ماده ۱۷۶ - هرگاه کسی به شخصی مثلاً چنین گوید (زن قحبه) یا خواهر قحبه یا مادر قحبه نسبت به کسی که زنا را به او نسبت داد محکوم به حد قذف میشود و نسبت به مخاطب که او را به این دشنام اذیت کرده است بده تاسی ضربه شلاق محکوم می شود .
- ماده ۱۷۷ - هر دشنامی که باعث اذیت شنونده شود و دلالت بر قذف نکند مانند اینکه به زنش بگوید تو باکره نبودی بده تا پنجاه ضربه شلاق محکوم می شود .
- ماده ۱۷۸ - قذف در مواردی موجب حد میشود که قذف کننده بالغ و عاقل و مختار و دارای قصد باشد و قذف شونده نیز بالغ و عاقل و مسلمان و عقیف باشد پس اگر قذف کننده و یا قذف شونده فاقد یکی از اوصاف فوق باشد ، حد ثابت نمیشود .
- ماده ۱۷۹ - هرگاه نابالغ ممیزی کسی را قذف کند بده تاسی ضربه شلاق محکوم می شود و همچنین هرگاه بالغ و عاقلی شخص نابالغ یا غیر مسلمان را قذف کند به سی تا پنجاه ضربه شلاق محکوم می شود .



- ماده ۱۸۰- اگر قذف شونده به آنچه که به او نسبت داده شده عقیف نباشد و تظاهر به آن نماید قذف کننده حد و تعزیر ندارد.
- ماده ۱۸۱- هرگاه خویشاوندان یکدیگر را قذف کنند محکوم به حد میشوند.
- تبصره - اگر پدر یا جد پدری فرزندش را قذف کند به درجه پنجاه ضربه شلاق محکوم میشود.
- ماده ۱۸۲- هرگاه مردی زنی را که مرده است قذف کند و آن زن وارثی جز فرزند همان مرد نداشته باشد حد ثابت نمیشود و اگر آن زن وارثی غیر از فرزند همان مرد مثلا فرزندی از شوهر دیگر داشته باشد حد ثابت میشود.
- ماده ۱۸۳- هرگاه شخصی چند نفر را بطور جداگانه قذف کند در برابر قذف هر یک جداگانه حد بر او جاری می شود خواه همه آنها با هم مطالبه حد کنند خواه بطور جداگانه.
- ماده ۱۸۴- هرگاه شخصی چند نفر را به یک لفظ قذف نماید اگر هر کدام آنها جداگانه خواهان حد شوند برای قذف هر یک آنها حد جداگانه خواهد بود ولی اگر با هم خواهان حد شوند فقط یک حد ثابت می شود.
- ماده ۱۸۵- قذف با دوبار اقرار ثابت میشود.
- ماده ۱۸۶- اقرار در صورتی نافذ است که اقرار کننده بالغ و عاقل و مختار و دارای قصد باشد.
- ماده ۱۸۷- قذف با شهادت دو مرد عادل ثابت می شود.
- ماده ۱۸۸- تازیانه بر روی لباس متعارف و بطور متوسط زده میشود نه بشدت زدن در حد زنا.
- تبصره - تازیانه را نباید به سر و صورت و عورت قذف کننده زد.
- ماده ۱۸۹- هرگاه کسی چند بار قذف کند و بعد از هر بار حد بر او جاری شود در مرتبه چهارم کشته می شود.
- ماده ۱۹۰- هرگاه قذف کننده بعد از اجراء حد بگوید آنچه گفتم حق بوده ده تا سی ضربه شلاق محکوم میشود.
- ماده ۱۹۱- هرگاه یک نفر را چند بار به یک سبب مانند زنا قذف کند فقط یک حد ثابت میشود.
- ماده ۱۹۲- هرگاه یک نفر را به چند سبب مانند زنا و لواط قذف کند چند حد ثابت میشود.
- ماده ۱۹۳- حد قذف در موارد زیر ساقط میشود.
- ۱- هرگاه قذف شونده، قذف کننده را تصدیق نماید.



- ۲- هرگاه شهود بانصاب معتبر آن به چیزی که مورد قذف است شهادت دهند .
۳- هرگاه قذف شوونده یا همه ورثه او قذف کننده را عفو نمایند .
۴- مردی زنش را پس از قذف لعان کند .
ماده ۱۹۴- هرگاه دونفر یکدیگر را قذف کنند خواه قذف آنها همانند و خواه مختلف باشد حد ساقط و هر یک به بیست تا پنجاه ضربه شلاق محکوم می شود .
ماده ۱۹۵- حد قذف اگر اجراء یا عفو نشود به وارث منتقل میگردد .
ماده ۱۹۶- حق مطالبه حد قذف به همه وارثان بجز زن و شوهر منتقل میشود و هر یک از ورثه میتوانند آن را مطالبه کنند هر چند دیگران عفو کرده باشند .
لایحه فوق مشتمل بر یکصد و نود و شش ماده و بیست و هفت تبصره طبق اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی در جلسه نهم تیرماه یک هزار و سیصد و شصت و یک کمیسیون امور قضائی بتصویب رسیده است . / ن

رئیس مجلس شورای اسلامی

اکبر هاشمی

۱۳۶۱/۵/۶۱